

### مقدمه:

نظام اقتصادی اسلام با همه عمق، اصالت و عظمت، صلاحیت پیاده شدن در هر عصر، زمان و مکانی را دارد. اما این امر، در سایه وجود حکومتی اسلامی که به تمامی مبانی اعتقادی، اخلاقی و معنوی اقتصاد اسلامی معتقد باشد، امکان پذیر است. اکثر معضلات و مشکلاتی که در گذشته و حال رویاروی اقتصاد قرار داشته است، از ۳ منبع سرچشمه می گیرد:

۱. فقدان تولید کافی

۲. توزیع ناعادلانه

۳. رعایت نکردن الگوی مصرف

اغلب کشورها از ناحیه موارد فوق الذکر در رنج هستند، تا جایی که بسیاری از تلاشها در جهان کنونی در زمینه علم اقتصاد، متوجه بهینه سازی سطح تولید، اصلاح روش توزیع و رعایت الگوی مناسب مصرف است. نظام اقتصادی اسلام نیز به این معضلات و مشکلات توجه کرده است. حضرت علی علیه السلام نیز در نامه معروفشان به مالک اشتر، نظام اقتصادی مطلوب را بخوبی ترسیم کرده و براین نکته تأکید نموده اند که، حکومت اسلامی، در جهت بالا بردن سطح تولید، توزیع عادلانه و مصرف صحیح، کاملاً تلاش و سعی کند.

بدون تردید نظارت در امر تولید، توزیع و مصرف - که نقش بسیار حیاتی در اصلاح ساختار اقتصادی دارد - به دستگاههای اداری و تشکیلاتی که از عهده این امور برآید، نیاز دارد. توانایی و کارایی دستگاههای اداری، نقش بسیار مهمی در این مورد می تواند داشته باشد. به عبارت دیگر، نظارت کامل بر تولید، توزیع و مصرف، از امور اساسی اقتصاد به شمار می رود، که اسلام بر آن تأکید بسیار دارد. برای تحقق آن نیز حکومت اسلامی باید مقدمات لازم را ایجاد کند، در آن صورت، اقتصادی که بر اساس موازین اسلامی شکل گیرد، موفقیتهای بزرگی را در راه اجرای عدالت اجتماعی و اقتصادی، و همچنین بزرگترین پیروزیها را در حل معضلات اقتصادی، افزایش سطح تولید توزیع، عادلانه و اصلاح الگوی مصرف، نصیب جامعه کند.

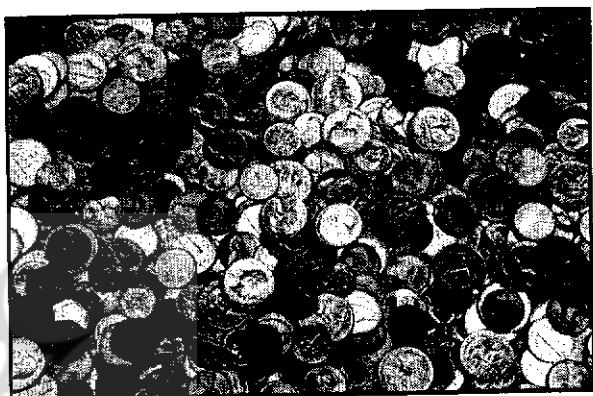
مقاله حاضر تلاشی در راستای شناسایی و گسترش هر چه بیشتر مفاهیم اقتصادی اسلام، با تأکید بر دیدگاه حضرت علی علیه السلام در نامه معروف ایشان به مالک اشتر است. در این راستا، با تبیین نمونه هایی از برخورد عینی و عملی حضرت علی علیه السلام با مسائل

# بزرگی نکات اقتصادی

در عهدنامه مالک اشتر

مختلف اقتصادی، نظام اقتصادی مطلوب مورد نظر آن حضرت مشخص شود.

در این مقاله با تأکید بر نامه حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر موضوعاتی از قبیل: طبقه‌بندی، دریافت زکات، اجتناب از احتکار، تجارت، خراج، میزات و مخصصات نظام اقتصادی مطلوب، تولید، توزیع و مصرف، بررسی، تجزیه و تحلیل می‌شود. ذکر این نکته لازم است که سمی بر آن بوده است که صرفاً، مباحث با تأکید بر عهدنامه مالک اشتر مطرح شود. لذا، از طرح دیدگاههای جدید در علم اقتصاد و مباحث خارج از عهدنامه مالک اشتر، خودداری شده است.



### طبقه‌بندی از دیدگاه حضرت علی علیه السلام

حضرت علی علیه السلام خطاب به مالک اشتر فرماندار خود در مصر، می‌فرماید:

«... و اعلم أن الرعية طبقات لا يصلح بعضها لا ببعض، والا غنى ببعضها عن بعض. فمنها جنود الله. ومنها كتاب العامة والخاصة. ومنها قضاة العدل. ومنها عمال الانصاف والرفق. ومنها اهل الجزية والخراج من اهل الذمة ومسلمة الناس. ومنها التجار واهل الصناعات. ومنها الطبقة السفلى من ذوى الحاجة والمسكنة وكلا قد سمي الله سهم، ووضع على حده فريضة فى كتابه او سنة نبية - صلى الله عليه وآله - عهداً منه عندنا محفوظاً.»<sup>۱</sup> «او بدان که رعیت را صنفهاست که کار برخی جز به برخی دیگر راست نیاید، و به برخی از برخی دگر بی‌نیازی نشاید. از آنان سپاهیان خداوند و دبیران که در نوشتن نامه‌های عمومی یا محرمانه انجام وظیفه نمایند. و از آنها داورانند که کار به عدالت دارند، و عاملانند که کار خود به انصاف و مدارا رانند. و از آنان اهل جزیه<sup>۲</sup> و خراج‌آند، از زمین و مسلمانان. و از آنان بازرگانان، صنعتگران و طبقه فرودینند از حاجتمندان و درویشان. و خدا نصیب هر دسته را معین داشته و میزان واجب آن را در کتاب خود یا سنت پیامبرش صلی الله علیه و آله نگاشته، که پیمانی از جانب خداست و نگهداری شده نزد ماست.»

حضرت علی علیه السلام در این عبارات، وضع طبیعی جامعه را ترسیم می‌کنند تا مالک اشتر در برخورد های ولایتی و سیاسی خود، این زمینه‌های اجتماعی را مد نظر داشته باشد و با توجه به این زمینه‌ها، سیاست حکومتی و اسلامی خود را اتخاذ نماید، تا سرانجام وی باموضعگیری صحیح بتواند نظام اقتصادی صحیح را میان امت استوار سازد.

### دریافت و جمع‌آوری مالیات

زکات یکی از عمده‌ترین منابع مالیات اسلامی است، که از طرفی مردم طبق شرایطی - که بیان می‌شود - آن را به عنوان وظیفه بزرگ عبادی - اقتصادی می‌پردازند. دولت اسلامی هم آن را برای یک رسالت الهی، سیاسی و اقتصادی و نیز رفع فقر و نیاز طبقات ضعیف، و بالا بردن سطح زندگی آنان، دریافت می‌دارد. در اینجا، طرح و بررسی ۲ بحث لازم به نظر می‌رسد:

۱. اگر افراد از پرداخت چنین مالیاتی خودداری نمودند، چه ضمانت اجرایی برای دریافت آن وجود دارد؟

۲. مقدار زکات از لحاظ کمیت چه مقدار است؟ و چه مقدار از نیازمندیهای افراد کم درآمد و بی درآمد را می‌تواند تأمین نماید؟ در توضیح مطلب نخست، باید اذعان نمود که:

اولاً هنگامی که جامعه تحت لوای رهبری حکومت اسلامی قرار گرفت، پرداخت مالیات زکات را به عنوان یک عبادت تلقی می‌نماید و به تبع آن داوطلبانه آن را پرداخت می‌کند...

ثانیاً، دولت اسلامی بدین منظور و براساس نص قرآن، (العاملین علیها)<sup>۳</sup>، مأمور و متصدی جمع‌آوری زکات و مالیات می‌گمارد.

مطلبی که در این باره حائز توجه است، روش تربیتی، انسانی و سازنده حکومت اسلامی است که از هرگونه خشونت، ارباب و تحکم کاملاً به دور است. به عنوان نمونه، قسمتی از دستورهایی را که حضرت علی علیه السلام برای دریافت زکات و مالیات به مأموران و متصدیان خویش می‌فرماید؛ ذکر می‌نماییم:

«یا عبدالله انطلق و علیک بتقوی الله وحده لا شریک له، ولا تؤثر دنیاک علی آخرتک و کن حافظاً لمن استتمنک علیه، راعياً لحق.<sup>۴</sup> «ای بنده خدا، برای جمع‌آوری زکات حرکت کن، و حتماً خدای یگانه بی‌شریک را در نظر داشته باش، دنیایت را بر آخرت مقدم مدار، نگهبان امانت خلق باش و حق الهی را نیز رعایت کن.»

در باره سؤال دوم می‌توان گفت که، با توجه به تشکیل یک نظام صحیح و عمیق اسلامی، با توجه به منابع و نهادهای مشمول پرداخت این گونه مالیاتها، و نیز با عنایت به جمع‌آوری مالیاتها،

بودجه نسبتاً زیادی تشکیل می‌شود، که تا حدی می‌تواند نیازهای طبقات نیازمند را برآورده سازد.

در اسلام آنقدر به مسئله زکات اهمیت داده شده، که در ردیف نماز - که ستون دین به شمار می‌رود - قرار گرفته است. حضرت علی علیه السلام می‌فرماید:

«ان الله فرض فی اموال الاغنیاء اقوات الفقراء فما جاء فقیر الا بما منع غنی و الله سألهم عن ذلك.»

(به یقین، خدای متعال روزی بینوایان را در ثروت توانگران قرار داده است. بنابراین، هیچ‌کس فقیر و گرسنه نمی‌شود، مگر اینکه اغنیاء حق وی را حبس کنند. اما خدای قهار آنها را به مؤاخذه و حساب خواهد کشید.)

بنابراین، زکات یک برنامه وسیع مالی و اجتماعی اسلامی است، که نتیجه آن تعادل و توازن در نظام اقتصادی خواهد شد.

### جلوگیری از احتکار

احتکار به معنای حبس نمودن خوار و بسار است. گاهی نیز به ذخیره کردن منابع و مواد تجاری و صنعتی، و خلاصه، انبار کردن نیازمندیهای جامعه، اطلاق شود. حضرت علی علیه السلام در عهدنامه اصیل و تاریخی خود به مالک اشتر، فرماندار مصر، می‌فرماید:

«... و اعلم مع ذلك ان فی كثير منهم

ضيقاً فاحشاً و شحاً قبيحاً، و احتكاراً للمنافع، و تحكما فی البياعات، و ذلك باب مضرة للعامة و عيب على الولاية، فامنع من الاحتكار فان - رسول الله صلى عليه و آله - منع منه، و یکن البیع بیعاً سمحاً، بموازين عدل و اسعار لا تجحف بالفريقين من البایع و المبتاع. فمن قارف حكرة بعد نهیک اياه فنکل به، و عاقبه فی غیر اسراف.»

(و با این همه بدان که میان بازرگانان بسیار کسانی که معاملتی بد دارند، بخیلند و در پی احتکارند. سود خود را می‌کوشند و کالا را به هر بها که خواهند می‌فروشند. و این سودجویی و گرانفروشی، زیانی است برای همگان، و عیب است بر والیان. پس بایدت از احتکار منع نمود، که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن منع فرمودند. و باید خرید و فروش آسان صورت پذیرد و با میزان عدل انجام گیرد؛ با نرخهای - رایج بازار - نه به زیان فروشنده و نه خریدار. و آن که پس از منع

تو دست به احتکار زند، او را کیفر ده و عبرت دیگران گردان، و در کیفر او اسراف مکن.)

### تجارت

مسئله دادوستد و بازرگانی، از امور مهمی است که در نظام اقتصادی مطلوب مؤثر می‌باشد. حضرت علی علیه السلام در فرمان خود به مالک اشتر، خصلتها و ویژگیهای تجار و بازرگانان را برمی‌شمارد: «... ثم استوص بالتجار و ذوی الصناعات و اوص بهم خیراً: المقیم منهم، و المضطرب بماله، و المتفرق ببدنه، فانهم مواد المنافع و اسباب المرافق، و جلابها من المباعد و المطارح فی برک و بحرک، و سهلک و جبلک، و حیث لا یلتئم الناس لمواضعها، و لایجترون علیها. فانهم سلم لاتخاف بانقته، و صلح لاتخشی غائلته، و تفقد امورهم بحضرتک و فی حواشی بلادک.» (دیگر

اینکه، نیکی به بازرگانان و صنعتگران را بر خود بپذیر، و سفارش کردن به نیکویی درباره آنان را به عهده گیر، چه کسی که برجای بود، و چه آن که با مال خود از این سو بدان سو رود، و با دسترنج خود کسب کند. آنان مایه‌های منفعتند، پدیدآورندگان وسیله‌های آسایش و راحت. و آورنده آن از جاهای دور دست و دشوار، در بیابان و دریا و دشت و کوهسار؛ جایی که مردمان در آنجا گرد نیابند و در رفتن بدانجا دلبری نمایند. این بازرگانان مردمی آرامند و نمی‌ستیزند، و آشتی جویند و فتنه‌ای نمی‌انگیزند. به کار آنان بنگر،

چه در آنجا باشند که خود به سر می‌بری یا در شهرهای دیگر.) در این فرمان، حضرت علی علیه السلام بازرگانان و صاحبان صنایع، تولیدکنندگان، را در یک ردیف می‌آورد. هر دو گروه، منشأ منفعت شمرده شده‌اند. بازرگانان از این جهت در اسلام محترم و مورد حمایتند که خدمت مفیدی انجام می‌دهند.

### خراج (مالیات)

خراج مقدار مالی است، که از عین محصول زمین یا قیمت آن گرفته می‌شود. این مالیات بر اراضی خراجی (انفال و فیء)، به حسب تشخیص حکومت اسلامی، و رضایت کارکنان، کشاورزان و زمینداران، و مصلحت عامه مردم بسته می‌شود این مالیات نخست، باید صرف آبادی زمین و وضع کشاورزان شود. جامعترین اثر اسلامی درباره وضع خراج، موقعیت و اهمیت کار کشاورزان، حقوق

آنان از نظر اسلام، قسمتی از مکتوب و منشور امیرمؤمنان حضرت علی علیه السلام به مالک اشتر می‌باشد؛ چنانکه می‌فرماید:

«... و تفقد امر الخراج بما يصلح اهله فان فی صلاحه و صلاحهم صلاحاً لمن سواهم، و لا صلاح لمن سواهم الا بهم لان الناس کلهم عيال علی الخراج و اهله. و لیکن نظرک فی عمارة الارض ابلغ من نظرک فی استجلاب الخراج لان ذلک لا یدرک الا بالعمارة. و من طلب الخراج بغير عمارة اخرج البلاد و اهلک العباد، و لم یستقم امره الا قليلاً فان شکوا تفلأاً او علة او انقطاع شرب او بالة او

احالة ارض اغتمرها غرق او ابحف بها عطش خفتت عنهم بما ترجوان یصلح به امرهم» و درکار خراج چنان بنگر که اصلاح خراج دهندگان در آن است، چه صلاح خراج و خراج‌دهندگان به صلاح دیگران است. و کار دیگران سامان نگیرد تا کار خراج دهندگان سامان نپذیرد، که مردمان همگان، هزینه‌خوار خراجند و خراج‌دهندگان. و باید نگرستن و به آبادانی زمین، بیشتر از ستدن خراج بود، که ستدن خراج، جز با آبادانی میسر نشود. و آن که خراج خواهد تو به آبادانی نپردازد، شهرها را ویران کند و بندگان را هلاک سازد، و کارش جز اندکی راست نیاید. و اگر از سنگینی [مالیات] شکایت کردند یا از آفتی که [به کشت] رسیده یا آبی که از کشته‌اشان بریده یا باران بدانها نیاریده یا [بذر زمین] بر اثر غرق شدن یا بی‌آبی تباہ گردیده. بار آنان را سبک گردان؛ چندانکه می‌دانی کارشان بدان سامان‌پذیرد.

حضرت علی علیه السلام برحسب این منشور و بر اساس تعمیم اراضی و دیگر منابع ثروت طبیعی، چند مطلب اصولی و مهم اقتصادی و اجتماعی را به صورت فرمان بیان کرده‌اند:

۱. اراضی و منابع عمومی که بر حسب استحقاق و احتیاج، و با نظارت حکومت عادل اسلامی میان عاملان توزیع می‌شود، باید تصرفات در آنها بر اساس مصلحت اجتماع باشد.

**حضرت علی علیه السلام در عهدنامه اصیل و تاریخی خود به مالک اشتر، فرماندار مصر، می‌فرماید:**  
**(و با این همه بدان که میان بازرگانان بسیار کسانی که معاملتی بد دارند، بخیلند و در پی احتکارند. سود خود را می‌کوشند و کالا را به هر بها که خواهند می‌فروشند. و این سودجویی و گرانفروشی، زیانی است برای همگان، و عیب است بر والیان. پس بایدت از احتکار منع نمود، که رسول خدا صلی الله علیه و آله از آن منع فرمودند. و باید خرید و فروش آسان صورت پذیرد و با میزان عدل انجام گیرد؛ با نرخهای - رایج بازار - نه به زیان فروشنده و نه خریدار. و آن که پس از منع تو دست به احتکار زند، او را کیفر ده و عبرت دیگران گردان، و در کیفر او اسراف مکن.**

۲. والیان و متصدیان پیش از بستن خراج (مالیات ارضی)، باید به اصلاح وضع زندگی خراج‌دهندگان بپردازند.

۳. پایه و اساس اجتماع، تولیدکنندگان و بدون اصلاح وضع آنان، اجتماع روی صلاح نمی‌بیند.

۴. پیوسته پیش از گرفتن خراج، باید نظر و توجه به آبادی زمینها باشد.

۵. خراج گرفتن بدون آبادی، خرابی کشور و نابودی مردم آن را در پی دارد.

۶. پس از وضع خراج اگر کشاورزان از سنگینی آن یا احتیاج به اصلاح زمین یا

به هر علتی شکایت کردند تا جایی که کارشناسان بهبود یابد، بایستی به آنها تخفیف داد.

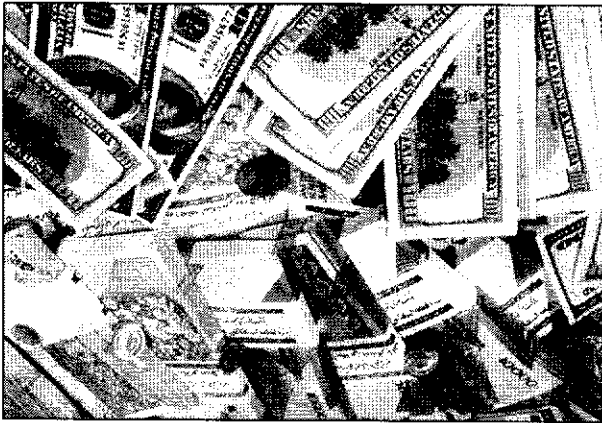
۷. سبک کردن مالیات بر زمین و فرآورده‌های آن، فاصله میان حکومت و مردم را از میان می‌برد، به حاکم و اجتماع رونق و زینت می‌بخشد، و دولت را محکم و سرافراز می‌سازد.

۸. افاضه عدل در میان طبقه مولد، نیروی سرشار معنوی برای حکومت و تکیه‌گاهی برای آن است. چنین نیرویی، از هر قدرت مادی در موقع پیشامدها محکمتر و ثابت‌تر، و با چنین نیرو هر رنج و تحمیلی قابل تحمل است.

۹. فقر و تنگدستی تولیدکنندگان و نداشتن وسایل تولید، موجب ویرانی زمینهاست. باید توجه داشت که این فرمان - که بحق باید آن را منشور نور در قرون ظلمت نامید - در زمانی صادر شد، که دنیا در تاریکی ظلم و ستم نسبت به طبقات مولد و دهقانان به سر می‌برد. در آن دوران، در نظر طبقات حاکم در سراسر جهان، یگانه وسیله آبادی زمین بردگان و بندگان بودند، که نه تنها حقی در کار خود نداشتند، بلکه حقی به حیات و خانواده‌شان هم نداشتند.

این نظر حضرت علی علیه السلام به احوال و اوضاع مختلف زمین از جهت آبادی و ویرانی، و مترتب بون صلاح دولت بر صلاح وضع کارگر و کشاورز، آنچنان درست و دقیق است که علوم اقتصادی و اجتماعی امروز هم مؤید آن است. و با آنکه از زمان صاحب این نظر





و دستور قرنهاى متمادى گذشته، همچنان جامعيت و اعتبار خود را حفظ کرده است.

## مميزات و مشخصات نظام اقتصادى مطلوب از دیدگاه

### حضرت على عليه السلام

با اندكى دقت و ژرفنگرى در نظرات حضرت على عليه السلام، اين نتیجه مسلم مى شود كه نظام اقتصادى مورد نظر حضرت على عليه السلام، داراى امتيازات خاصى است كه با هيچ يك از مكتبهاى سرمايه دارى و سوسياليستى تطبيق نمى كند. اين امتيازات را مى توان در چند اصل خلاصه كرد:

۱. حضرت، افراد را مالك در حدود محصول عمل به معنای وسيع، و متصرف در مبادلات در حدود احكام خاص، مى شناسند. بنابراین، در اين نظام نه آزادى بى حد مالكيت فردى تجويز شده، و نه مبتنى بر مالكيت عمومى و سلب كلّى مالكيت و آزادى فردى است.
۲. از آنجا كه علاقه هاى مالى و روابط اقتصادى با نحوه تفكرات، فطريات و عواطف انسانى مرتبط است، بنابراین نظام اقتصادى مطلوب نیز نمى تواند مجزا از توجه و تربيت فكرى و اخلاقى، و احكام عبادى و اجتماعى باشد. بنابراین، حضرت على عليه السلام تنظيم حدود حقوق و علاقه ها را با توجه نظر، تحكيم ايمان، و پرورش وجدان و ارزشهاى انسان مرتبط مى دانند؛ بطورى كه احكام و قوانين اقتصادى را بر طبق اين اصول بيان مى كنند.
۳. امام عليه السلام حدود مالكيت و روابط اقتصادى را ۳ اصل: افراد، احكام و حكومت ترسيم و تنظيم مى كنند.

۴. براساس دیدگاه حضرت على عليه السلام، حق مالكيت و توزيع فراورده هاى طبيعى، مبتنى بر حق تصرف و توزيع منابع طبيعى

**شناسايى نظام اقتصادى مطلوب بدون توجه به مسئله خودشناسى، ميسر نيست. حضرت على عليه السلام از خودشناسى، به عنوان يكي از اساسى ترين آگاهيها و از جهل و ناآگاهى نسبت به خود، به عنوان عامل به هدر رفتن نيروها و در نتیجه سقوط انسان ياد کرده اند.**

بر مبادلات و روابط بازرگانى باشد؛ چون تقاضا درمكتب سرمايه دارى، به قدرت خريد و پولدارى افراد بر مى گردد. در حالى كه تقاضا بر مبنای نظام اقتصادى مطلوب، ناشى از نياز و احتياج افراد است. شناسايى نظام اقتصادى مطلوب بدون توجه به مسئله خودشناسى، ميسر نيست. حضرت على عليه السلام از خودشناسى، به عنوان يكي از اساسى ترين آگاهيها و از جهل و ناآگاهى نسبت به خود، به عنوان عامل به هدر رفتن نيروها و در نتیجه سقوط انسان ياد کرده اند.

هدف نظام اقتصادى مطلوب مورد نظر حضرت على عليه السلام در پرتو هدف كل سيستم، همانا كمال نهايى و سعادت ابدى براى انسان است. و ارزش آن، شعاعى از ارزش و مطلوبيت كمال نهايى خواهد بود. به ديگر سخن، هدف نظام اقتصادى اسلام، در دايره هدف نظام اخلاقى محدود مى شود. بدین معنا كه رفاه و آسائش زندگى در حدى مطلوب خواهد بود، كه در جهت تأمين سعادت ابدى و راهى براى وصول به كمال نهايى باشد.

با توجه به اينكه هدف اقتصاد تأمين نيازمنديهاى مالى بشر است، سؤالى كه به ذهن خطور مى نمايد اين است كه نظام اقتصادى مطلوب مورد نظر حضرت على عليه السلام، چه هدفى را دنبال مى كند؟ آيا اين نظام، فقط در صدد رفع نيازمنديهاى ضرورى زندگى انسان است؟ در پاسخ بايد گفت كه اين نکته، از دقت و ژرفنگرى در بيانات حضرت و مخصوصاً در نامه ايشان به مالك اشتر، به دست مى آيد: نظام اقتصادى مطلوب امام عليه السلام فقط در صدد رفع نيازمنديهاى ضرورى بشر نيست و با تأمين آنها كار خود را تمام شده نمى داند، بلكه در صدد ايجاد عدالت اجتماعى و تأمين رفاه براى همه است.

### الگوی عالی تولید

يكي از ادله بسيار محكمى كه در اين مورد وجود دارد، قول و رفتار معصومان عليهم السلام است. به عنوان نمونه، از امام صادق عليه السلام روايت شده است كه فرمودند:

مى باشد. به اين ترتيب كه زمين و همه منابع طبيعى، از آن همه است و دولت - كه نماينده مصالح عمومى است - حق نظارت و توزيع دارد.

با اين گونه آزادى محدود در مبادلات و نظارت دولت در كلاها، قاعده عرضه و تقاضا به مفهوم سرمايه دارى نمى تواند حاكم

«ان امیر المؤمنین علیه السلام اعتق الف مملوک من کدیده» همانا امیرمؤمنان علیه السلام هزار بنده را از دسترنج خویش، آزاد کردند. تلاش در جهت افزایش تولید و رفاه دیگران به دو صورت انجام می‌شود:

گاهی، با مباشرت انجام می‌پذیرد و خود شخص عهده‌دار کار می‌شود.

گاهی، با وساطت و گذاشتن امکانات تولید، در اختیار دیگران انجام می‌گیرد؛ مانند اینکه شخص پول خود را در اختیار کسی قرار دهد تا با آن فعالیت انجام دهد و از سود حاصل، هر دو بهره‌مند شوند.

با وجود آنکه تأکید شده است که هدف تولید قرب الهی باشد، ولی با وجود این، تولید به انگیزه مادی بدون در نظر گرفتن هدف‌نهایی و قرب الهی نیز در محدوده انواع تولیدات مجاز، تحریم نشده است. چون همه مردم همواره در حدی نیستند که انگیزه‌های الهی موجب ترک فعالیت اقتصادی آنان شود. و از طرف دیگر، تولید در جامعه باید سطح مطلوب خود را حفظ کند. بنابراین، اگر انگیزه‌های مادی به طور کلی از افسردگی گرفته شود و تحریم گردد، ممکن است موجب ترک فعالیت‌های اقتصادی کسانی شود که آمادگی تحرک به انگیزه‌های الهی را ندارند. و از این راه، ممکن است کل جامعه اسلامی زیان ببیند. در این صورت انگیزه‌های مادی نیز پذیرفته شده است؛ اگرچه مطلوب نمی‌باشد. و این خصلت، ناشی از ویژگی جمع‌گرایی و واقع‌نگری نظام اسلام است، که می‌تواند اجتماع بشری را زیر شرایط مختلف به طور مطلوب اداره کند. در نظام اسلامی به اندازه‌ای همه جوانب رعایت شده که حتی انگیزه تولید از یک کافر هم گرفته نشده است.

حضرت علی علیه السلام می‌فرمایند:

«انه لا ید للناس من امیربر او فاجر یعمل فی امرته المؤمن و یستمع فیها الکافر» مردم از داشتن زمامداری خوب یا بد، ناگزیرند تا آنکه مؤمن در سایه حکومتش به کار خود بپردازد، و کافر نیز در آن بهره‌مند شود.

اگرچه نظر حضرت در اینجا به طبیعت حکومت می‌باشد، ولی این معنا در نظام اسلامی به طور آشکاری نمایان است که حتی کافری که در زیر لوای اسلام زندگی می‌کند نیز در محدوده‌های که برای او قرار داده شده است، انگیزه برای تولید دارد؛ زیرا می‌داند از حاصل عملی که انجام می‌دهد، خود و بستگانش می‌توانند بهره‌مند شوند.

در تبیین رفتارهای اقتصادی افراد بر اثر انگیزه‌های حاکم بر آنان، دو نوع انگیزه را در جامعه اسلامی می‌توانیم در نظر بگیریم:

- انگیزه الهی: این انگیزه، مطلوب و ایده‌آل به شمار می‌رود، مکتب اسلام سعی می‌کند مردم را به این انگیزه عالی سوق دهد.
- انگیزه‌های مادی در محدوده فعالیت‌های مجاز: هر چند از نظر اسلام این انگیزه کمال مطلوب نیست، ولی بر اساس مصالحی تحریم نشده است.

### توزیع

مقصود از توزیع، توزیع و تشخیص منابع خدادادی و هرگونه تولید و نمو ناشی از آن، در جامعه است. هدف توزیع در نظام اقتصادی مطلوب، رسیدن به جامعه‌ای است که در آن عدالت اقتصادی برقرار شده باشد، و نتیجه تلاش و فعالیت اقتصادی هر کس به خود او باز گردد.

**هدف نظام اقتصادی مطلوب مورد نظر حضرت علی علیه السلام در پرتو هدف کل سیستم، همانا کمال‌نهایی و سعادت ابدی برای انسان است. و ارزش آن، شعاعی از ارزش و مطلوبیت کمال‌نهایی خواهد بود. به دیگر سخن، هدف نظام اقتصادی اسلام، در دایره هدف نظام اخلاقی محدود می‌شود.**

نظام اقتصادی مطلوب نه تنها تضمین‌کننده عدالت اقتصادی و تأمین‌کننده رفاه عمومی است، بلکه در پی هدف والاتر رسیدن به جامعه‌ای است که مردم در اموال با یکدیگر به موازات رفتار می‌کنند، و همدیگر را در روزی و معیشت خود سهیم می‌گردانند. در نظام اقتصادی مطلوب اگر فردی بخواهد از راه بیع و اجاره ابتدایی کالاها و خدمات خود را مبادله کند، ناگزیر باید این‌گونه کالاها و خدمات ارزش متناسب با عوض خود را داشته باشد. همچنین، اگر فردی بخواهد از طریق بیع و اجاره ثانوی مالکیت جدیدی را به دست آورد، باید در هنگام معامله دوم، کالاها و خدمات ارزش بالاتری داشته باشند. این ارزش بیشتر، ممکن است از ۲ راه به دست آمده باشد:

- کار جدیدی بر روی شیء مورد معامله انجام گیرد؛ چنانکه فردی منزلی را اجاره کند و پس از انجام دادن تعمیراتی در صورتی که اجاره مشروط به استفاده خود او نباشد، با اجاره بیشتری به دیگری واگذار نماید.

تلاش می‌کنند تا نیازمندیهای یکدیگر را بر طرف نمایند.

در نظام اقتصادی مطلوب مورد نظر، صرفاً به معنی تولید نیست، بلکه مصرف به گونه‌ای توجه شده است، که باید رسید به وجود می‌آید و نه توری به همراه خواهد داشت، چون در صورت فراوانی کالاها و امکان رشد سریعتر تولید، با توجه به تشریح اسلام به مصرف و محدودیت استفاده از آنها، و نیز کالاها و خدمات موجب پایین آمدن قیمت از حد قیمت آنها نخواهد شد. به علاوه در چنین حالتی، تقاضا برای کالاها و خدمات ارائه شده وجود دارد و زمینه برای سرمایه‌گذاری بیشتر و گسترش تولید مهیا می‌باشد، بویژه اگر به هدف به منظور مایه‌ای اسلامی وجود آنها و وظایف اقتصادی دولت اسلامی و به طور کلی نحوه توزیع ثروت در اسلام نظر کنیم، این مسئله واضحتر می‌شود.

شیء مورد نظر اضافه گردد. مثلاً کالایی که از محلی که بوفور یافت می‌شود، به مکان دیگری که این کالا در آنجا کمیاب است، منتقل گردد؛ یا از مکانی که فاقد مطلوبیت باشد، به جای دیگری که مطلوبیت دارد انتقال یابد؛ یا از زمانی که مطلوبیت کمتری دارد؛ برای زمانی که مطلوبیت بیشتری دارد نگهداری شود. این‌گونه فعالیت‌های اقتصادی که مشکلی از مشکلات مردم را بر طرف می‌کند، موجب شده است که امیرمؤمنان (علیه السلام) در نامه خود به مالک اشتر نسبت به بازرگانان سفارش عام بفرمایند:

« ثم استوص بالتجار و ذوی الصناعات و اوص بهم خیراً: المقیم منهم، و المضطرب بماله، و المترفق ببذنه، فانهم مواد المنافع و اسباب المراقه، و جلا بها من المباعد و المطارح فی برک و بحرک، و سهلک و جبلک، و حیث لایلتهم الناس لمواضعها، و لایجترئون علیها. »  
در این عهد نامه، حضرت (علیه السلام) فقط تجاری را که در گردشند مورد نظر قرار نداده، بلکه نسبت به تجار مقیم نیز توجه کرده‌اند. در یک نگاه کلی به سیستم توزیع در نظام اقتصادی مورد نظر حضرت علی (علیه السلام)، می‌توان دوشاخه اصلی را که لازمه یک سیستم توزیع مطلوب است، مشاهده کرد.

۱. توزیع در نظام اقتصادی مطلوب، به گونه‌ای است که انگیزه‌های تولید را از افراد سلب نمی‌کند؛ چون هرکس می‌تواند از حاصل تلاش و کوشش خود، بهره برد. از طرف دیگر، با وجود توانایی بر تلاش اقتصادی، بدون جهت چیزی از درآمد جامعه به او تعلق نمی‌گیرد.

۲. تخصیص عوامل تولید، به بهترین شکل انجام گیرد.

مطلوب نهایی نظام اقتصادی اسلام، در توزیع مواسات و ایشار است. مقصود از مواسات، شرکت دادن دیگران در احوال خویش

### مصرف

۳. رکن اصلی اقتصاد را تولید، توزیع و مصرف تشکیل می‌دهد. اما در واقع، تولید و توزیع، تمهیدات لازم برای تأمین مصرف می‌باشند. لذا، غایت نهایی تلاش‌های اقتصادی افراد، مصرف به‌شمار می‌رود. هر شخصی که بتواند درآمدی در جامعه کسب کند یا سرمایه‌ای

ببندد، بدین هدف می‌باشد که سطح مصرف کنونی یا آینده خود یا دیگران را افزایش دهد.

آنچه مربوط به مباحث اقتصادی مصرف می‌شود، تجزیه و تحلیل رفتارهای مصرفی افراد جامعه است. در این راستا، بررسی نیازمندیهای افراد، در نظر گرفتن قواعد حاکم بر انتخاب و ارجحیت در مصرف، اهمیت فراوان دارد. در این قسمت برای تبیین موضوع از دیدگاه مکتب اسلام و حضرت علی (علیه السلام)، ابتدا طرق کلی هدایت و کنترل مصرف را ارزیابی می‌کنیم. به طور کلی، هدایت و کنترل مصرف، از راه‌های زیر انجام می‌گیرد:

۱. از طریق به وجود آوردن انگیزه‌های مثبت، که شخص را به سوی مصارف مخصوص هدایت می‌کند.
۲. از طریق ایجاد انگیزه‌های منفی، که در واقع عامل بازدارنده انسان از برخی مصارف است.
۳. از طریق دستورها و توصیه‌های بهداشتی، که بر الگوی مصرف افراد تأثیر مستقیم دارد.
۴. به وسیله محدودیتها و ممنوعیت قانونی برای بعضی از موارد مصرف.
۵. از طریق ایجاد محدودیت در درآمد افراد.

**افراد برای مصرف کالاها، انگیزه‌هایی دارند. برخی از این انگیزه‌ها، در اثر نیازهای معقول و واقعی به وجود می‌آید، که تأیید و تشویق شده نظام اقتصادی اسلام است. برخی از مصارف نیز نامعقول می‌باشد، که در نظام اقتصادی اسلام از آن نهی شده است.**

در واقع، نظام اقتصادی اسلام بر آشکار کردن نعمت و نشان دادن الطاف الهی به افراد، تأکید کرده است. در نظام اقتصادی مطلوب مورد نظر حضرت علی علیه السلام، به مصرف به گونه‌ای توجه شده است، که نه رکود به وجود می‌آید و نه تورمی به همراه خواهد داشت؛ چون در صورت فراوانی کالاها و امکان رشد سریعتر تولید، با توجه به تشویق اسلام به مصرف و متروک نگذاشتن آنها، وفور کالاها و خدمات موجب پایین آمدن بیش از حد قیمت‌ها نخواهد شد. به علاوه در چنین حالتی، تقاضا برای کالاها و خدمات ارائه شده وجود دارد و زمینه برای سرمایه‌گذاری بیشتر و گسترش تولید مهیا می‌باشد؛ بویژه اگر به دقت به نظام مالیاتی اسلام، وجود انفاقها و وظایف اقتصادی دولت اسلامی و به‌طور کلی نحوه توزیع ثروت در اسلام نظر افکنیم، این مسئله واضحتر می‌شود. در واقع، دو عامل وضعیت مطلوب اقتصادی را از رکود حفظ کرده است؛ یکی عامل معنوی که همان وجود انگیزه برای مصرف می‌باشد، و دیگری عامل مادی که قدرت خرید برای امکان مصرف است.

نظام اقتصادی مطلوب مورد نظر حضرت علی علیه السلام علاوه بر آنکه بر اهرمهای پنجگانه هدایت و کنترل مصرف، صحنه می‌گذارد، خود نظام ارزشی خاصی دارد که حاکم بر این‌گونه کنترلها و هدایتهاست و اساساً با نظامهای حاکم بر دیگر مکاتب تفاوت ماهوی دارد.

افراد برای مصرف کالاها، انگیزه‌هایی دارند، برخی از این انگیزه‌ها، در اثر نیازهای معقول و واقعی به وجود می‌آید، که تأیید و تشویق شده نظام اقتصادی اسلام است. برخی از مصارف نیز نامعقول می‌باشد، که در نظام اقتصادی اسلام از آن نهی شده است.

هدف نظام اقتصادی اسلام آن است که انسان را به گونه‌ای تربیت نماید، که همه حرکات و فعالیت‌هایش در جهت جلب رضایت خداوند و قرب الهی باشد.

در صورتی که انگیزه فرد از مصرف انگیزه‌های منفی باشد، اسلام آن را نهی و نکوهش می‌کند. از امیرمؤمنان علیه السلام در تفسیر آیه: «تلك السدار الاخرة نجعلها للذين لا يريدون علوا في الارض و لا فساداً»<sup>۱۱</sup> (آن خانه آخرت را برای کسانی قرار می‌دهیم، که اراده برتری و فساد در زمین نمی‌کنند). نقل شده است، که فرمودند: «ان الرجل ليعجبه ان يكون شرாக نعله اجود من شرாக نعل صاحبه فيدخل تحتها»<sup>۱۲</sup> (همانا فردی را این موضوع به خرسندی [و شگفتی] وا می‌دارد، که بند کفش او بهتر از بند کفش دوستش باشد. پس، داخل عنوان آیه می‌شود).

همچنین، در نامه امیرمؤمنان علیه السلام به حارث همدانی، آمده است: «و لير عليك أثر ما انعم الله به عليك»<sup>۱۳</sup> (و باید اثر آنچه خداوند بدان بر تو نعمت داده است بر روی تو دیده شود).

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
رتال جامع علوم انسانی

<sup>۱</sup> نهج البلاغه، ترجمه سید جعفر شهیدی (تهران: انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی، ۱۳۷۱) نامه ۵۳

<sup>۲</sup> جزیه یا گزیت، مالیاتی مسالیانه است که اهل کتاب باید به حاکم مسلمانان بپردازند. در مقابل، حکومت حقوق آنان را محترم می‌شمارد، و مال و جانشان را از تعرض محفوظ می‌دارد.

<sup>۳</sup> خراج، مالیاتی بود که از زمین کشت شده یا قابل کشت می‌گرفتند. میزان این مالیات در دوره‌های مختلف حکومت اسلامی و نیز در ایالت‌های عراق، مصر، حجاز و افریقا متفاوت بود و تغییر کرد. بعضی خلفا، خراج را از ذمی و مسلمان می‌گرفتند. اما جزیه، بر عهده غیر مسلمان بود.

<sup>۴</sup> توبه، ۶۰

<sup>۵</sup> شیخ حر عاملی، وسائل الشیعه، ج ۶، ص ۸۸

<sup>۶</sup> محمد بن علی صدوق، من لایحضره الفقیه، ج ۲، ص ۳

<sup>۷</sup> نهج البلاغه، نامه ۵۳

<sup>۸</sup> نهج البلاغه، نامه ۵۳

<sup>۹</sup> نهج البلاغه، نامه ۵۳

<sup>۱۰</sup> کلینی، محمد بن یعقوب، فروع کافی، ج ۵، کتاب المعیبه، باب ۵، حدیث، ص ۷۲

<sup>۱۱</sup> قصص، ۸۳

<sup>۱۲</sup> تفسیر نورالتقلین، ج ۲، ص ۱۲۲، حدیث ۱۲۲

<sup>۱۳</sup> نهج البلاغه، نامه ۶۹